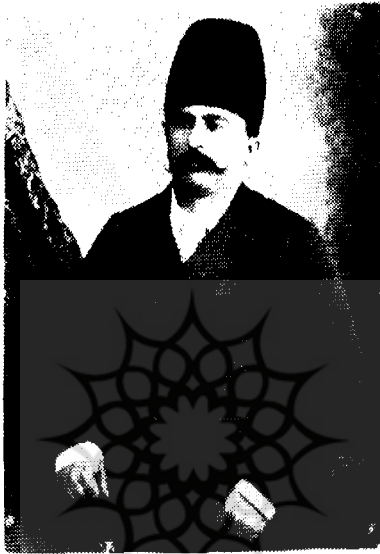


## سرهنگ ابوالفتح اوژن بختیاری

## یادی از مرحوم ضرغام السلطنه بختیاری



جناب آقای وحید زاده مدیر دانشمند مجله ارمغان در این ایام که مقارن با جشن مشروطیت ایران است لازم دیدم شرحی تحت عنوان ( یادی از ضرغام السلطنه بختیاری) که زحمات و خدمات او بر ملت ایران بخصوص اهالی اصفهان پوشیده نیست و استاد شهیر شادروان وحید دستگردی پدر بزرگواران نیز در جریان نهضت‌های ملی و حوادث جنگ بین‌المللی اول دوش بدوش ضرغام السلطنه شاهد و ناظر تلاش‌ها و کوشش‌های پی‌گیر آن راد مرد بزرگ بوده و در صفحات ۶۰ و ۱۷۲ کتاب ره‌آورد خود هم شرح مبسوطی در این باره نگاشته است بنویسم و خوانندگان محترم مجله وزین ارمغان را در جریان وقایع بگذارم .

سرهنگ اوژن بختیاری

مقدمهٔ باید بعرض برسانم: اینک شصت و پنج سال است از جریاناتی که ذیلاً به نظر تان میرسد میگذرد و در حال حاضر خوب میتوان اوضاع گذشته را دقیقاً تحت مطالعه و بررسی قرار داد و حقایق را چنانکه بوده و جریان داشته است بدون هیچگونه غرضی و تعصبی بیان داشت و چکیده مطالب را به خوانندگان گرامی مجله عرضه کرد.

بطوریکه از فحوای مطالب تاریخی که مورخین و نویسندگان متأخر و معاصر ما در این مدت تحت عنوان تاریخ مشروطیت ایران و وقایع آن نوشته و بدست ما رسیده است بر میآید مشروطه خواهان را اعم از هر طبقه و مقامی که بوده اند میتوان سه دسته متمایز تقسیم بندی کرد از این قرار:

مشروطه خواهان دست چپی مشروطه خواهان دست راستی و مشروطه خواهان واقعی یا ملی که آن دو دسته اول و دوم منسوب به سیاست های خارجی بودند اما دسته اخیر بهیچ یک از سیاستهای خارجی بستگی نداشته و صرفاً ملی و مؤمن با مشروطیت و حکومت قانون بودند و چون موضوع خیلی روشن است و غالب خوانندگان خود در جریان بوده اند ضرورتی ندارد که کارگردانان آن دو دسته را با صراحت نام ببرم، چه که زمان چندان دور نیست و آنها نیکه سنین عمرشان بین شصت و هفتاد سال است خود بصراحت در یافته و با نگارنده هم عقیده میباشند و آنها نیکه سنین عمرشان باین حد نمیرسد مسلماً در این مدت چه از بزرگتران خانواده شنیده و چه شخصاً در خلال کتب و جراید و مجلات خوانده و دریافته اند که اساس مشروطیت ما مبتنی بر چه پایه و اساسی بوده است.

فعلاً نگارنده منظورم دسته سوم است که در آن میان بکلی گمنام مانده و هر یک بطریق از میان برداشته شده اند و ضرعام السلطنه بختیاری (عم نگارنده) یکی از افراد مؤثر این دسته بشمار میآید که شمه ای از مبارزات او را در این مقاله بعرض میرسانم.

ضرعام السلطنه واقعاً مردی وطن پرست و مؤمن با مشروطیت بود چنانکه در سال

۱۳۲۶ هجری قمری و قتیکه شنید محمد علیشاه مجلس ملی را بتوپ بست بدون درنگ و بدون هیچ قید و شرطی آن هم با هزینه شخصی در تاریخ هشتم ذی الحجة الحرام ۱۳۲۶ از خانه خود بیرون آمد و با تعدادی پسران و برادران من جمله پدر نگارنده و معدودی سوار مسلح بختیاری اصفهان حمله ور شد و پس از تصرف اصفهان در تاریخ دوازدهم ذی الحجة و فرار و تحصن اقبال الدوله حاکم آنجا در صدد تدارک حرکت بطهران بود که حاجی علی قلی خان سردار اسعد که در طول این مدت بین راه اروپا با ایران بود و از طریق دریا بتازگی وارد جنوب ایران شده بود باشنیدن خبر فتح اصفهان معجلاً خود را با اصفهان رسانید و از آنجا هم در تاریخ غره جمادی الاول ۱۳۲۷ بطرف تهران حرکت کرد و در همین موقع بود که سیاست های خارجی با هم توافق کرده بودند و در نتیجه دسته چپی ها هم بدسته راستی ها پیوسته و پس از تلافی طرفین در پشت دروازه تهران متفقاً وارد تهران شدند و بدون هیچگونه برخوردی در ۲۴ جمادی الاول سال ۱۳۲۷ به مجلس شورای ملی وارد شدند و آنجا هم با تعیین احمد شاه بجانشینی محمد علیشاه دیگر آنها از آسیا افتاد و هر دو دسته به بهره برداری کامل از آن مشروطیتی که ظاهراً با دست آنها بوجود آمده بود مشغول شدند .

اینجا بود که ضرغام السلطنه که از همه جا بی خبر بود و بلافاصله هم بنخیال آنکه مبدا قوای سردار اسعد در راه اصفهان بطهران با محظوراتی مواجه شود از عقب او روانه تهران شده بود و در بین راه نیز خبر کشته شدن عزیزالله خان برادرش را که در اردوی سردار اسعد بود شنید شتابان خود را در تاریخ ۲۷ جمادی الاول به تهران رسانید ولی به مجرد رسیدن بطهران و دیدن اوضاع آنچه باید بفهمد فهمید یعنی کسانی را که تا دیروز تفنگ در دست برضد مشروطه خواهان و مجاهدین می جنگیدند امروز آنها را همه کاره و غمخوار ملک و ملت مشاهده میکرد و چون دید در مقابل عمل انجام شدهای قرار گرفته و مملکت هم در بست در اختیار عوامل

دو سیاست قوی افتاده  
 است ناچار در صد  
 چاره بر آمد و هم -  
 مسلمان و کسانی را  
 که با خود هم عقیده  
 میدید بدور خود  
 جمع کرد و بموجب  
 دو فقره قرار داد که  
 یکی در تاریخ غره  
 ذی القعدة ۱۳۲۷ بین  
 ضرغام السلطنه و عده ای  
 از رجال وهجاهدین صدر  
 مشروطیت بشرح و  
 گراور ذیل منعقد شده  
 است .

غره ذی قعدة ۱۳۲۷  
 هجری قمری .

حضار مجلس تعهد:

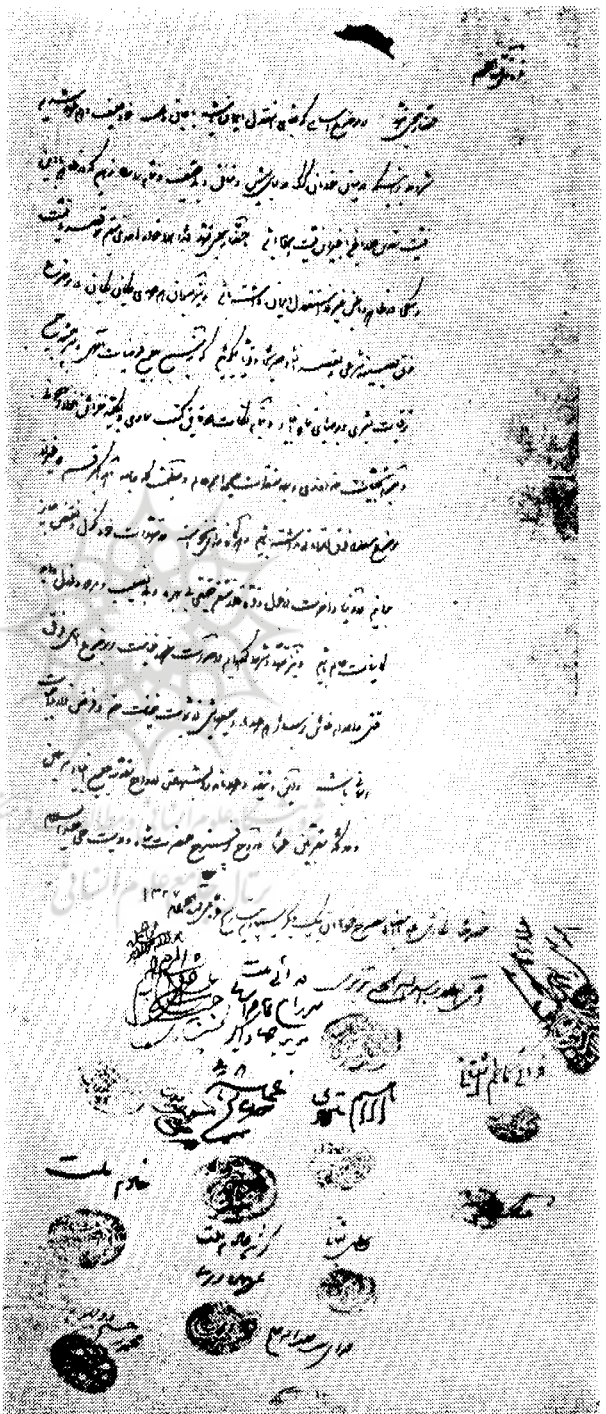
در موضوع اساسی که

بقای استقلال ایران

باشد با جان و مال

خود حلیف و هم عهد

...



در میان خودمان گرگ در لباس میش و منافق و بی حقیقت و تمام راه ندهیم که در ظاهر با این نیت مقدس و در باطن باغیر این نیت همراه باشد حضار مجالس تعهد ابداً هواخواه احدی نیستیم که قصد و نیت و مسالکی در ظاهر و باطن غیر از استقلال ایران داشته باشد و نیز به عنوان عم عهدی بیکان بیکان در موضوع فوق به صیغه شرعی و بقصد انشاء صریحاً و قویاً میگوئیم که به منبع جمیع فیوضات الهی و سرچشمه جمیع ترقیات بشری و بوضایای تمام انبیاء و بتمام نکات و دقایق کتب سماوی و بکلیه خزاین انوار رحمانی و بعموم تجلیات خداوندی و بهممه معتقدات صحیحه امم عالم و بعظمت کلمه جامعه الله اکبر قسم که غیر از موضوع منظوره فوق اقداماتی نداشته باشیم و هر گاه خدای نخواست در تعهدات خود نکول و نقض جایز بدانیم در دنیا و آخرت از حول و قوه قادر منتقم بی بهره و بی نصیب و مردود ازل و ابد کائنات عالم باشیم و نیز تعهد و شرط کردیم در صورت ظهور خیانت بر موضوع اساسی فوق قتل و اعدام خائن بر عهده هم عهدها و حلیفها پس از ثبوت خیانت حتم و فرض و از واجبات آسمانی باشد و این وثیقه و عهدنامه را بشهادت ارواح مقدسه جمیع انبیاء مرسلین و ملائکه مقررین عموماً و روح پرفتح حضرت شاه ولایت علی علیه السلام خصوصاً نگارش داده همه با اضاء مصرح خودمان بیکدیگر می سپاریم بتاریخ غره ذی قعدة ۱۳۲۷ هجری قمری.

محل اضاء اقل السادات اسدالله حسینی تبریزی محل اضاء فدائی ملت میرزا علی آقا خراسانی محل مهر ابراهیم بختیاری (ضرعام السلطنه) محل مهر علاء الدین موسوی محل مهر عباس آشتیانی محل مهر صالح باغمیشه محل اضاء علی اکبر (دهخدا) محل مهر ابوالقاسم محل مهر کاظم آشتیانی محل مهر حبیب الله محل مهر ابراهیم تبریزی (حکیم الملک) مهر مهر عبدالحسین موسوی محل مهر رحیم دولو.

بقیه در شماره آینده